

نوشتهٔ پیه اسکوبار

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲

منطقه: آمریکای لاتین و کارائیب

پاریس/۲۲ اکتبر ۲۰۱۲

ترجمه توسط حمید محوی

چرا هوگو چاوز در انتخابات پیروز شد

<http://www.mondialisation.ca/venezuela-pourquoi-hugo-chavez-a-remporte-les-elections/5308327>

یک بار دیگر. در چهاردهمین انتخابات، هوگو چاوز فریاس - آن فردی که مرتجعان اتلانتيست به نهایت از او نفرت دارند - در شرایط کاملاً شفاف، تحت نظارت بخش خدماتی سازمان ملل متحد، اتحادیهٔ اروپا و سازمان دولت های آمریکائی، قاطعانه دوباره به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

در اینجا دو انتخابات مطرح بود. یکی چاوز را در مقابل نمایندهٔ کمپرادورها [مالکان بزرگ]، نئولیبرال و مرتجع که لباس دموکرات به تن کرده بودند قرار می داد - یعنی در مقابل هنریک کاپریل رادونسکی - وکیل مدافع و نمایندهٔ منافع واشینگتن در ونزوئلا. و دیگری آمریکای جنوبی پیشگام بود که با «بیگ برادر» رویارویی می کرد که خواهان دولتی در جایگاه مشتری و مطیع بود.

چاوز پیروز شد، زیرا پیش از همه طرح بولیوار بین مردم خیلی طرفدار دارد. سال های چاویسم - با وجود تمام نقایص و کیش افسارگسیختهٔ شخصیت - اجازه داد که حاکمیت ملی ونزوئلا شکل یابد، و ثروت ملی به بخش خدمات عمومی و محرومان قرار گیرد و حقوق حداقل مناسبی تعیین گردد. همان گونه که چاوز می گوید در این مورد می توانیم از «سوسیالیسم در قرن بیست و یکم» حرف بزنیم.

انتخابات، چاوز با احترام از گوآکیپورو یاد کرد که رهبر بومی بود و قبایل تک و کاراکاس را علیه استعمارگران اسپانیائی فرماندهی می کرد - او در جایگاه نماد کلیدی مقاومت ونزوئلا

است. «ما همه گواکیپورو هستیم» فراخوانی بود که به خوبی طنین انداخت و روی ریشه های بومی کشور تکیه داشت : «مقاومت بومی و سیاه که مبارزه ستم دیدگان را هدایت می کرد». در ازای نفت، بی سوادی وجود ندارد!

واقعیات حرف می زنند. امروز کشف کرده اند که ونزوئلا روی بزرگترین ذخیره نفتی جهان نشسته است، یعنی ذخیره ای که حتی از ذخائر عربستان سعودی نیز مهمتر است. ولی تا همین اواخر «گنجینه» نفتی بود که توسط برگزیدگان متکبر و حریص سنتی اداره می شد، و توده های مردم از امکانات آموزشی مناسب، مسکن مناسب یا حقوق کافی برخوردار نبودند.

موفقیت چاویسم همین بود که به تدریج جامعه عمودی را به شکل افقی هدایت کرد. چاویسم نه کمتر از ۴۳ در صد از بودجه دولت را به حل مجموعه ای از مسائل اجتماعی اختصاص داد. میزان بی کاری از ۲۰ درصد به ۷ درصد رسید. طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۲۲ دانشگاه دولتی ایجاد کرد. شمار اساتید از ۶۵۰۰۰ به ۳۵۰۰۰۰ ارتقاء پیدا کرد. بی سوادی برچیده شد. و اصلاحات کشاورزی نیز در شرف تکوین است - یعنی رؤیای تمام آمریکای جنوبی. روشن است که طبقه حاکم در این جشن شرکت نداشتند - همان گونه که در برزیل، آرژانتین یا بولیوی (با این وجود طبقه حاکم موفق شد که در پاراگوئه کودتا به راه بیندازد و دولت دموکراتیک و قانونی را سرنگون سازد). در ونزوئلا، ده سال پیش از این، همین طبقه برگزیده و متکبر سعی کرد به پشتیبانی رسانه های بزرگ - کودتائی به راه بیندازد، که تنها سه روز بی نوا طول کشید. توده ها اعلام کردند :

« No Pasaran ».

به عبارتی می توانیم بگوییم که هنریک کاپریل رادونسکی، نامزد انتخابات ریاست جمهوری، به عنوان نوزاد دموکرات، مستقیماً در کودتای سال ۲۰۰۲ شرکت داشت و به همین علت نیز مدتی را در زندان به سر برد.

ونزوئلا بهترین میزان شاخص «جینی» (شاخص اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم) را دارا می باشد، و به این معنا است که این کشور در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین

کمترین میزان اختلاف طبقاتی را نشان داده است. در گزارش ژانویه ۲۰۱۲، کمیسیون اقتصادی برای آمریکای لاتین و کارائیب، تأیید شده است که ونزوئلا و اکوادور بین ۱۹۹۶ و ۲۰۱۲ مقام اول را در زمینه کاهش فقر در سر اسر کشورهای آمریکائی را بدست آورده است.

طی این مدت، آمریکائی هائی که در ایالات متحده زندگی می کنند با انتشار آمار «گالوپ» (شرکت خدماتی برای آمار و منابع انسانی) شگفت زده شدند که ونزوئلا «پنجمین کشور خوشبخت در جهان است». و نه تنها به دلیل رقص سالسا...

جای شگفتی نیست که رسانه های ایالات متحده، در اروپای غربی و در آمریکای جنوبی داستانهای از ونزوئلای هائی تعریف می کنند که در رؤیای تبعید و نوشیدن مارتینی در میامی منتشر می کنند. ولی واقعیت این است که شمار زیادی از جوانان اسپانیائی که در اروپا سرنوشتی برای آینده حرفه ای خود نمی بینند، برای جستجوی کار به ونزوئلا می روند.

ابلیس نمائی چاوز در رسانه های بزرگ غربی به شکل رقت انگیزی مسخره است، به عنوان مثال اخیرا مرگ او را اعلام کردند و برایشان گران تمام می شد که بپذیرند که سرطانی که چاوز از آن رنج برد با موفقیت توسط پزشکان کوبائی معالجه شد.

علت اصلی توجه خاصی که صنعت ابلیس سازی به مورد چاوز نشان می دهد، از آنجائی منشأ می گیرد که او از همکاری با فانتزی های جغرافیای سیاسی واشینگتن اجتناب می کند. چاوز مناسبات نزدیکی با رهبران چین بر قرار کرده (ونزوئلا در آینده نزدیک یک میلیون بشکه نفت در روز به چین صادر خواهد کرد)، از حق ایران بای برنامه هسته ای صلح آمیز دفاع می کند، تا آخرین لحظه از قذافی دفاع کرد و جنگ علیه لیبی را به عنوان مداخله غیر قانونی ناتو افشا نمود، و از دولت سوریه نیز در مقابله با آن چه که تروریسم سلفی-جهاد طلب می نامد پشتیبانی می کند، و علاوه بر این منبع الهامات دائمی برای کشورهای آمریکای لاتین، از بولیوی تا نیکاراگوئه و اکوادور بوده است.

مشخصا نمی دانیم که آیا اوباما در صورتی که برای دومین بار در انتخابات پیروز شود آیا واقعا خواهان برقراری مناسباتش با ونزوئلا بر اساس احترام متقابل خواهد بود یا نه.

سال ۲۰۱۲ ونزوئلا میزان رشد ۵ درصدی داشته که فراتر از آرژانتین (۲ درصد) و برزیل (یک ونیم درصد) بوده است. اقتصاد ونزوئلا به شکل نسبی سوسیالیستی بوده و موجب تولید کار، اعتبار بیشتر، و سرمایه گذاری دولتی بیشتر شده که حاصل آن رشد اقتصادی پایدار بوده است. از دیدگاه درونی، مبارزه طبقاتی به شکل جادویی ناپدید نشده است. بی نوایان موقعیت خود را مستحکم می کنند، دست کم در طبقه متوسط پائین. در طبقه متوسط در حال رشد و طبقه متوسط بالا، تمایل بیشتری برای مصرف نشان می دهد.

سرطان قلب چاویسم به طور کلی بی تأثیر بودن و بزهکاری است. این مبارزه ای است که در درون صورت می گیرد و باید پیروز شود. همان گونه که جیمز پتراس باور دارد، کلید موفقیت پیشرفت در سیاستهای اجتماعی چاوز در مبارزه بی امان علیه بزهکاری در سیاست محلی و در دستگاه دولتی است.

آمریکای جنوبی در رابطه با واشینگتن به دو گروه تقسیم شده: چاویسم، و آن چه که در توافق برزیل مطرح شده است. شیلی، کلمبی و اروگوئه به طرفداران توافق برزیلیا تعلق دارند، و حتی پرو به ریاست جمهوری اولانتا هومالا. روشن است که توافق برزیلیا مترادف «لولیسمو» می باشد، به تبع رئیس جمهور لولا که از وجهه مردمی بسیار بارزی برخوردار است و اوباما نیز او را فرد نیکی می داند.

با این وجود چاویسم در بولیوی و اکوادور وجهه مردمی دارد. سپس آنهایی هستند که در آرژانتین و پاراگوئه (پیش از کودتا علیه فرناندو لوگو) تردید دارند.

با این وجود، اختلافات به دیدگاه های جزئی در رابطه با درجات اقتصاد اجتماعی و ادامه سیاست خارجی مستقل است. ولی همه در الگوی بنیادی اتفاق نظر دارند: تکیه به رشد اقتصادی، برابری اجتماعی، دموکراسی واقعی و تحول تدریجی.

چاویسم معتدل تر، دوری جستن از کیش شخصیت موفقیت های چشم گیرتری در امریکای لاتین خواهد داشت. ولی موانع زیادی بر سر این راه گذاشته شده - مانند کودتای پاراگوئه، کودتای هندوراس، دست آویز قراردادن مسائل حفاظت محیط زیستی در بولیوی، پافشاری

دائمی واشینگتن در ابلیس نمائی چاوز. و موضوعی که اکثر قاطع آمریکای لاتین نمی توانند فراموش کنند : یعنی چهارمین ناوگان ایالات متحده که آنها را تحت نظر گرفته است.

Le 8 octobre 2012

Article original en anglais : [Why Hugo Rules, Washington should get real and understand why Venezuela prefers Chavez](#), Aljazeera, le 8 octobre 2012.

Traduction : [Info-Palestine.net](#) – Claude Zurbach

***Pepe Escobar** est l'auteur de *Globalistan : How the Globalized World is Dissolving into Liquid War* (Nimble Books, 2007) et *Red Zone Blues : a snapshot of Baghdad during the surge*. Son dernier livre vient de sortir ; il a pour titre : *Obama does Globalistan* (Nimble Books, 2009).*

October 22nd, 2012